

سرسخن ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۱۱۲، پانزدهم اردیبهشت ۱۴۰۲

اعتصاب "مدرسه جنگ"

از اول اردیبهشت ماه، بار دیگر کارگران به جان آمده با خواست دستمزد عادلانه و بهبود در شرایط مرگبار محیط های کار در نقاط مختلف کشور دست به اعتصاب زده اند. در شرایط افزایش روزمره قیمت ها و تورم سرسام آور، در شرایطی که کارگران با دستمزدهای ناچیزشان حتی قادر به تامین حداقل های ضروری معیشت خود و خانواده شان نیستند، دولت رئیسی تصمیم گرفت که حداقل دستمزد کارگران را تنها ۲۷ درصد افزایش دهد. ظاهراً می بایست حداقل دستمزد در حدی افزایش یابد که با تورم موجود همخوانی داشته باشد. اما در شرایطی که تورم موجود چند برابر رقم ۲۷ درصد افزایش حداقل دستمزد می باشد، این تصمیم ظالمانه معنایی جز بازی با زندگی کارگران و خانواده هایشان و مواجه کردن آنها با انواع مصیبت ها و سرانجام مرگی زود رس ندارد. واضح است که پیامد این تصمیم ضد کارگری دولت رئیسی، پرتاب شدن بخش های هر چه بزرگتری از کارگران به قعر مرداب فقر و فلاکت خواهد بود.

به راستی که کارگران ما محق هستند که اغلب در تجمعات خود فریاد می زنند "مرگ بر این دولت مردم فریب" و "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت". مهمتر از این، کارگران بر اساس تجربیات تاکنونی شان بیش از پیش بر این امر واقف شده اند که باید "روی خودشان و عمل متحدشان" حساب کنند. در چنین شرایطی است که از اول اردیبهشت ماه موج بزرگی از اعتصابات کارگری محیط های کارگری را فرا گرفته است. در ابتدا کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به اعتصاب پیوستند و سپس به تدریج این اعتصابات صنایع دیگر و واحدهای تولیدی دیگر را فرا گرفت تا آنجا که تا کنون بیش از ۱۰۰ واحد تولیدی در شهرهای مختلف کشور به اعتصاب پیوسته اند. مطالبه اکثر کارگران اعتصابی عمدتاً افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها می باشد. کارگرانی هم که اغلب دور از خانواده، شب و روز در همان محوطه موسسه تولیدی به سر می برند خواهان ۱۰ روز استراحت به ازای ۲۰ روز کار هستند. کارگران پیمانی همچنین خواهان کوتاه کردن دست شرکت های پیمانکاری در محیط های کارگری و قرارداد مستقیم با شرکت و کارخانه مربوطه می باشند.

اعتصابات اخیر و سرعت گسترش آن از یک طرف بیانگر آن است که سرمایه داران و رژیم حامیشان جمهوری اسلامی شرایط بس دردناک و برده واری برای کارگران ایجاد کرده اند، و از طرف دیگر نشان دهنده شجاعت و مبارزه جوئی این کارگران می باشد که در شرایط سلطه حراست، به مثابه یک ارگان سرکوبگر در محیط های کار و وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، و در فضای شدیداً مختنق و بگیر و به بند و بکش، در زیر چنگال نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و در شرایط فقدان تشکل مستقل کارگری باز هم به اعتراض برخاسته و تولید را متوقف می کنند.

واقعیت این است که عدم افزایش دستمزدها در حدی که سبب معیشت خانواده کارگری را تامین کند، کارد به استخوان کارگران رسانده است. حتی قابل تصور نیست که در شرایطی که بنابر آمارهای خود نهادهای دولتی سبب معیشت یک خانواده کارگری حداقل ۱۸ میلیون تومان است با حداقل دستمزد پنج میلیون و ۳۰۷ هزار تومان که برای یک کارگر مناهل و دارای فرزند، با اضافات جانبی آن حدود ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می شود چگونه می توان زندگی کرد؟

بورژوازی زالو صفت نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان همواره در پشت هر اعتصاب "هیولای انقلاب" را می بیند. از این رو، جمهوری اسلامی به مثابه مدافع منافع بورژوازی در ایران، در وحشت از تداوم و گسترش بیشتر این اعتصابات، در تمام مدت تلاش نموده است تا با توسل به تهدید و تطمیع، در صفوف کارگران تفرقه اندخته و اراده آنها برای ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته هایشان را متزلزل سازد. اما تاکنون که حدود دو هفته از شروع این اعتصابات می گذرد به رغم همه ترفندها و تهدیدات کارفرمایان و رژیم حامیشان آنها قادر نشده اند کارگران را فریب داده و به سر کار بازگردانند.

اگر استثمارگران در پشت هر اعتصابی هیولای انقلاب می بینند کمونیست ها اعتصاب را "مدرسه جنگ" کارگران تلقی می کنند. اعتصاب مکتبی است که کارگران را به قدرت خود آشنا نموده و به آنها امکان می دهد فریبکاری های ریاکارانه کارفرمایان و دولت حامی شان را باز شناسند. با تکیه بر تجاربی که کارگران در جریان مبارزات اقتصادی خود با سرمایه داران و دولت به دست می آورند، کمونیست ها امکان می یابند این واقعیت را به آنان یادآور شوند که طبقه سرمایه دار دشمن کارگران می باشد و دولت نیز در بست در اختیار سرمایه داران و مطیع اوامر و منافع آنان است. کمونیست ها این آموزش را به میان کارگران می برند که مبارزات اقتصادی برای بهبود شرایط کار و زندگی لازم و ضروری است، اما رهائی قطعی کارگران از استثمار و چپاول کارفرمایان وابسته است به مبارزه سیاسی و تلاش برای سرنگونی طبقه استثمارگری که همچون زالو با مکیدن خون کارگران ادامه حیات می دهد. برای این منظور، کارگران باید با کمک روشنفکران انقلابی در جهت ایجاد سازمان

سیاسی خود گام بردارند. چرا که بدون متشکل شدن در چنین سازمانی رهائی از استثمار و ظلم و ستم سرمایه دار امکان پذیر نیست.

واقعیت این است که سرمایه داران و دولت حامیشان برای تداوم استثمار و حفظ شرایط موجود هرگز اجازه نمی دهند که کارگران از راه های مسالمت آمیز به خواست های طبقاتی خود دست یابند. در نتیجه کارگران مجبورند برای رهائی از چنگال خونین سرمایه داران و دولت حامیشان بجنگند. این جنگ را به واقع خود سرمایه داران و دولت های حامی شان بر آنها تحمیل می کنند. در جامعه ایران چنان جنگی باید نابودی جمهوری اسلامی را با نابودی نظم ظالمانه حاکم توأم سازد تا طبقه کارگر به رهائی دست یابد. آغازگر این جنگ نهائی امروز تشکیل گروه های سیاسی-نظامی متشکل از کارگران آگاه و مبارز با روشنفکران صدیق و پشتیان کارگران می باشد.